

بررسی رابطه فاصله نسلی و آسیب‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر جهرم در سال ۱۳۹۶

محمدجعفر دراجی جهرمی^۱

چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی رابطه فاصله نسلی و آسیب‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر جهرم در سال ۱۳۹۶ انجام شده است. چارچوب نظری و مدل تحلیلی با استفاده از نظریه‌های نظریه-پردازانی همچون گنورگ زیمل، پیتر برگر و تامس لاکمن، رونالد اینگلهارت، اریک اریکسون، جکلین گودنو و ورنل بنگستون ارائه شد. روش پژوهش حاضر پیمایشی و با تکنیک پرسشنامه که دارای اعتبار صوری و اعتبار سازه‌ای و اعتماد (آلفای کرونباخ بالای ۸۶ درصد) بوده به گردآوری اطلاعات اقدام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل ۸۳۶۰ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر جهرم که از بین آنان با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۷۰ نفر به روش خوشه‌ای بعنوان نمونه انتخاب شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از دو شیوه آمار توصیفی و استنباطی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری، اطلاعات در قالب جداول تنظیم شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که متغیرهای موثر توانسته‌اند بر فاصله نسلی با ضریب تعیین ۲۸۹ درصد تغییرات موجود را پیش‌بینی کنند همچنین متغیر سن با بتای ۳۲۷ درصد و متغیر جنسیت با بتای ۱۵۸ درصد و متغیر دین‌داری با بتای ۰/۳۶۸- و متغیر میزان تحصیلات پدران با بتای ۳۱۳ درصد و متغیر سرمایه فرهنگی با بتای ۴۲۷ درصد و متغیر سرمایه اقتصادی با بتای ۵۰۳ درصد و متغیر استفاده از رسانه با بتای ۲۷۲ درصد توانست بر متغیر فاصله نسلی موثر واقع شود و بیشترین تأثیر را نیز سرمایه اقتصادی داشته است.

واژگان کلیدی: تحصیلات، آسیب‌های اجتماعی، سرمایه فرهنگی، فاصله نسلی، دانش‌آموز

^۱ کارشناسی ارشد علوم اجتماعی _ جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جهرم Jafardoraji@yahoo.com

مقدمه

شکاف نسلی اغلب در جوامع در حال گذار اتفاق می‌افتد، جایی که ارزش‌های جهان گذشته به سرعت راه استحاله می‌پیمایند و ارزش‌های جدید منطبق بر واقعیت اجتماعی تازه جای آنها را می‌گیرند. ایران کشوری در حال گذار می‌باشد که یکی از مؤلفه‌های مهم این گذار، تغییرات فرهنگی - اجتماعی عمده در حوزه روابط بین فرزندان و والدین می‌باشد، و به طبع آن می‌توان گفت شهر جهرم در مراحل نخست گذار تاریخی اجتماعی خود قرار دارد و جامعه‌ای که در این مرحله قرار دارد استعداد و آمادگی بیشتری برای ایجاد شکاف نسلی دارد. «بررسی‌های دقیق نشان می‌دهد در حال حاضر به دلایل مختلفی شاهد رشد بیش از پیش این شکاف و عدم توجه کافی به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و عدم تعامل مناسب بین فرزندان (نسل جدید) و والدین (نسل گذشته) هستیم. در چنین شرایطی است که زمینه شکاف نسل‌ها فراهم می‌شود و بحران هویت‌یابی هویتی در جامعه به وجود می‌آید که خود می‌تواند زمینه آشفتگی اجتماعی و در صورت حاد آن زمینه بحران اجتماعی را در جامعه فراهم کند» (موسوی چلک، ۱۳۸۸: ۹۸). شکاف نسلی بدین معنا است که میان اعضاء بزرگتر خانواده و اعضاء کوچکتر از نظر تجربیات زندگی، بینش، شیوه زندگی و ارزش‌ها تفاوت زیادی دیده می‌شود و گویی که هر یک از آنها در جهان‌های متفاوتی زندگی می‌کنند. تا جائیکه عمده‌ترین تفاوت‌ها را می‌توان به «پذیرا نبودن» و «مقاومت در برابر تغییر» در نزد بسیاری از والدین و در مقابل «خود نقاد بودن» و «پذیرش تغییر» را در نزد فرزندان آنها دانست. خانواده ایرانی دچار نوعی فاصله یا شکاف نسلی گردیده است (ارمکی، ۱۳۸۱).

"در خانواده معاصر، به دلایل مختلفی چون افزایش فردگرایی، اهمیت یافتن حقوق فردی، کاهش اقتدار والدین (به ویژه پدر) و افزایش سریع و وسیع ارتباطات جمعی فرزندان فاصله بیشتری با والدین پیدا کرده‌اند." نسل امروزی به مانند نسل قبل همه چیز را بی‌چون و چرا قبول ندارد. نسل امروزی می‌خواهد از تمام پدیده‌های اجتماعی و هم‌زدایی نماید تا با شناخت پوسته اصلی آن راه و مسیر آینده خود را مشخص سازد. چنین آگاهی و شعور در نسل جدید برپایه تغییر و تحولات در نظام معرفتی و شناختی و حاکمیت علم و عقل بر رفتارهای بشریت می‌باشد (کوزر، ۱۳۸۷: ۲۶۳).

یکی از دلایل اصلی اهمیت موضوع شکاف نسل‌ها، پاشیدگی اجتماعی احتمالی بر اثر شکاف نسلی است که می‌توان آثار آن را در ارتباطات میان افراد خانواده مشاهده کرد. همچنین اختلال در فرآیند همانندسازی و وقفه در الگوپذیری نسل جوان و نوجوان، کاهش فصل مشترک‌های عاطفی و کاهش دلبستگی نسل جوان به فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی نسل بالغ، کاهش وفاق و اجماع براساس سنت‌های کهن و تأخیر در جریان جامعه‌پذیری، از جمله مواردی هستند که شکاف نسل‌ها را بعنوان یک مسأله اصلی مطرح می‌سازند. تغییرات عظیم و بعضاً سریع اجتماعی در سطح ایران و جهان موجب ناکارآمد جلوه کردن بعضی از عقاید و هنجارهای

نسل گذشته و در نتیجه دور افتادن نسل امروز از عقاید و افکار نسل گذشته گشته، پایه‌های خانواده سنتی و اصیل را متزلزل می‌نمایند و آنچه مسلم است، این است که جامعه ما در سی ساله گذشته یک جامعه در حال تغییر بوده است. انقلاب خود یک تغییر بزرگ است، و جنگ نیز همینطور، و سپس برنامه‌های سازندگی و توسعه، که اینها همه تغییرات وسیعی را در جامعه به وجود آورده است (معیدفر، ۱۳۸۳). بر همین اساس مهمترین سوالات پژوهش حاضر این است که آیا فاصله در نسل‌ها وجود دارد یا خیر و اگر وجود دارد ابعاد آن چه هستند و چه راهکارهای پیشنهادی برای پر کردن این شکاف می‌توان ارائه نمود؟

۱- پیشینه پژوهش

ابتدا پژوهش‌های انجام شده داخلی را مرور کرده و سپس نگاهی مختصر به بررسی‌های انجام شده خارجی می‌کنیم:

- معیدفر (۱۳۸۳) دیدگاه‌های موجود در باب وجود یا عدم وجود شکاف نسلی در ایران را به چهار دسته تقسیم کرده است. دسته اول معتقدان به وجود شکاف نسلی در ایران که خود به دو دسته بدبینان و خوش‌بینان به شکاف نسلی منفک می‌شوند. دسته دوم آنان که قائل به تفاوت نسلی هستند نه شکاف بین نسل‌ها. دسته سوم دیدگاهی که مسئله اصلی را نه گسست نسلی؛ بلکه گسستی فرهنگی می‌داند. و سرانجام، دیدگاهی که با بیم و امید، شرایط را در صورت عدم مدیریت صحیح؛ دارای پتانسیل گسترش تفاوت نسلی تا سر حد شکاف نسلی تلقی می‌کند.

- زهرا داریاپور (۱۳۸۶) استادیار دانشگاه شاهد در پژوهشی تحت عنوان «ساختار ارزشی و مناسبات نسلی» بر مبنای چارچوب نظری شوارتز، ارزش‌های جوانان و بزرگسالان را با هم مقایسه نمود. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که کم‌اهمیت‌ترین ارزش‌ها در نزد بزرگسالان، بلندپروازی، حادثه‌جویی و خوش‌گذرانی است. مهمترین ارزش‌ها در نزد بزرگسالان امنیت، مساوات و فرصت‌های یکسان است. مهمترین ارزش‌ها در نزد جوانان سلامتی، احترام و آزادی است. ارزش‌های جوانان در ۲۸ مورد با بزرگسالان دارای تفاوت معنی‌داری است. میزان اهمیت جوانان به انواع ارزشی امنیت، سنت، جهان‌گرایی و برانگیختگی با بزرگسالان متفاوت است.

- یوت شونفلونگ (۲۰۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی انتقال بین نسلی ارزش‌ها» که بر روی ۲۰۰ تن از پدران و فرزندان ترکیه‌ای ساکن در دو منطقه آلمان و ۱۰۰ تن از پدران و فرزندان ساکن در ترکیه انجام داده بود به این نتیجه رسید که بین فردگرایی جمع‌گرایی و انتقال ارزشی رابطه وجود دارد. به این صورت که در فرهنگ‌های جمع‌گراتر انتقال ارزشی بهتر صورت می‌گیرد. "هر چقدر جوانان جمع‌گراتر باشند، بیشتر به

آمال و خواسته‌های خانوادگی وفا دارند و فردگرایی جوانان بستری برای فاصله افتادن بین جوانان و بزرگسالان است" (شونفلونگ، ۲۰۰۱: ۱۷۴).

- رابرت پاتنام جامعه‌شناس آمریکایی یکی از کسانی است که تفاوت نسلی را بطور تجربی به تصویر کشیده است، "وی به خوبی نشان داده است که از دهه ۶۰ تا به امروز، جامعه آمریکا شاهد افول تدریجی آنچه وی سرمایه اجتماعی می‌نامد، بوده است. نشانه‌های عمده این افول را پاتنام در تضعیف ارتباطات اجتماعی، افول حساسیت‌های سیاسی، تخریب اعتماد عمومی و خودمحوری شدن روزافزون آمریکایی‌ها می‌بیند. نکته محوری در مطالعه پاتنام که به بحث ما مربوط می‌شود، این است که این روند نزولی مشارکت مدنی، نسل به نسل شدت گرفته است، تا جائیکه کمترین میزان مشارکت مدنی و حساسیت اجتماعی را در میان متولدین دهه‌های ۶۰ و ۷۰ می‌توان مشاهده کرد. مهمترین این تمایزات عبارتند از فردگرایی و نیز مادی‌گرایی بیشتر جوانان، ارتباطات کم‌عمق اجتماعی، نارضایتی بیشتر، مشارکت اجتماعی کمتر، سوءظن و بی‌اعتمادی نسبت به سایرین و نیز نسبت به حکومت" (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۶۰).

۲- چارچوب نظری

در تحقیق حاضر این مسئله است که اساساً کدام شرایط اجتماعی و تاریخی به چه سازوکارهایی موجب ظهور نسل مجزا و جدایی و تعارض عینی و ذهنی بین نسل‌های مختلف یک می‌گردد و راه‌حل‌های ساختاری کاهش چنین شکاف‌ها و تعارضاتی به سطح طبیعی. حداقلی آن کدام است، از رجوع به رویکردهای خرد و تحلیل روانشناختی در زمینه تعارضات نسلی صرف‌نظر کرده و صرفاً به سراغ مهمترین رهیافت‌های کلان ساختاری و تاریخی در ادبیات نسل‌ها پرداخته است (توکل و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۹۸).

این رهیافت، شکاف نسل‌ها را نتیجه اجتناب‌ناپذیر تجارب ویژه نسل‌های مختلف تاریخی می‌داند. و در همین راستا به بررسی نظریات کارل مانهایم و نظریه نسل تاریخی ارز یکسو و از سوی دیگر پیر بوردیو و نظریه تضاد نسلی پرداخته شده است.

۲-۱- رهیافت نسل تاریخی و مانهایم بعنوان بانی نظریه نسل تاریخی

این نظریه اولین بار توسط مانهایم فرمول‌بندی و تنظیم شد. در این دیدگاه ظهور یک نسل حقیقی و تبلور یک آگاهی نسلی متمایز نتیجه حوادث تاریخی عظیمی است که افراد در حدود ۲۵-۱۷ سالگی خود در داخل حوزه جغرافیایی واحدی، بطور مشترک آن را تجربه می‌کنند (همان، ۹۸). رهیافت مانهایم، تحلیلی تاریخی و ذهنی با تاکید بر روی تجارب ویژه، آگاهی و ذهنیت نسلی است.

مفروضات نظری اساسی مانهایم مبنی بر این تجربه که تجارب دوره زندگی به ویژه دوره اصلی جامعه‌پذیری آن نسل بر گرایش‌های ذهنی یک نسل در طول حیات آنها تأثیری قاطع دارد، چارچوب مفهومی قدرتمندی برای پیش‌بینی گرایش‌های فرهنگی نسلی فراهم می‌سازد (همان، ۱۰۰).

رهیافت مانهایم بطور کلی دارای ویژگی‌های ذیل می‌باشد:

- تاریخ مشترک نسل؛

- تجارب اجتماعی مشترک؛

- دیدگاه و ایدئولوژی متمایز نسل؛

- تأثیر ایدئولوژی و ذهنیت نسلی برآمده از تجارب فوق بر روی گرایش‌ها و رفتارهای نسل و تفسیر حوادث بعدی براساس دیدگاه نسلی (تداوم دون نسلی)؛

- تمایز نسل جامعه‌شناختی از نسل بیولوژیک و جمعیت‌شناختی (همان، ۱۰۲).

رمپل در کتاب «نقش ارزش در جامعه‌شناسی معرفت مانهایم» عنوان می‌کند که از نظر مانهایم، ارزش‌ها فرآورده‌های ساختگی^۱ نیستند بلکه هنگامی ارزش‌ها تولید می‌شوند که "واقعیت اجتماعی در حال رشد، مسائل غیرقابل محاسبه و جدیدی را به جریان‌های فکر عرضه می‌کنند"، در حالیکه این جریان‌ها تدریجی و تکاملی باشند.

اما در نظر مانهایم ارزش‌های نسل قبل بطور کامل از بین نمی‌روند بلکه نسل جدید دست به باز تعریف ارزش‌ها ۱۲۳ و افکار و ایدئولوژی‌های حاکم می‌زند؛ به عبارت دیگر ارزش‌ها در رویکرد وی هم متغیری وابسته و هم متغیری مستقل قلمداد می‌شود، یعنی:

- وابسته به شرایط اجتماعی و تاریخی؛

- متغیر مستقل: (۱) نظام ارزشی مستقر، پاسخ کانالیزه شده و مشخص افراد و نهادها در حیات اجتماعی (۲) پایه ای برای نوآوری ارزشی بعدی.

مانهایم معتقد است کارکرد نسل نوظهور تاریخی، همین نوآوری ارزشی و فرهنگی و تولید سبک زندگی نو است (همان، ۱۰۵). پس باتوجه به تعریف تبیین نسل تاریخی مشخص کردن دو چیز است:

(۱) مکان‌های جغرافیایی؛ (۲) حوادث مهم اجتماعی.

^۱ Manufactured

فرمول‌بندی مانهایم از نسل‌های تاریخی، در واقع عوامل منش جمعی، حوادث چرخه حیات و وقایع اجتماعی - تاریخی را به هم پیوند می‌زند. مانهایم تاکید دارد که نسل یک موجودیت اجتماعی و نه یک ضرورت بیولوژیکی است. همچنین نظریه وی حاوی مفهوم دوره زندگی^۱ نیز هست. رمپل معتقد است که از نظر مانهایم، نسل محل ظهور و محمل انتقال و تداوم جه‌گیری‌های فکری و فرهنگی جدیدی است که در بستر اجتماعی - تاریخی ویژه‌ای که هر نسل معین در آن رشد کرده، ریشه دارد. این جه‌گیری‌ها به صورت اهداف و، نیات و راه‌حل‌های نو برای مشکلات حیاتی جامعه به صورت تکامل و ظهور یک سبک نسلی ظاهر می‌شود (توکل و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

۲-۲- رهیافت تضادگرا در زمینه تعارض و شکاف نسل‌ها و نظریه نسلی پیر بوردیو

رهیافت تضاد ساختاری، منشا اصلی منازعات نسلی، توزیع نامتوازن منابع قدرت و ثروت و سرمایه‌های در اختیار نسل‌ها در عرصه‌های مختلف اجتماعی است و محور اصلی را تضاد منافع مادی گروه‌های مختلف نسلی که در جامعه هم‌زیستی مکانی و زمانی دارند، می‌داند که موجب مسائل نسل‌ها و شکاف‌های ایدئولوژیک و فرهنگی بین آنها می‌شود. نظریات بوردیو در سطح کلان مارکسیستی و رویکرد تضاد قرار دارد و چالش نسل‌ها را ناشی از نظام‌های سلطه و نابرابری در عرصه‌های مختلف می‌داند. وی شکاف نسل در دنیای معاصر را افقی می‌داند. در این چشم‌انداز، نقطه عزیمت در تحلیل تعارضات نسلی، ساخت اجتماعی عینی بوده و با محور قرار دادن تضاد منافع مادی گروه‌های مختلف نسلی، که در جامعه هم‌زیستی زمانی و مکانی دارند، مسائل نسل‌ها و شکاف‌های ایدئولوژیک و فرهنگی بین آنها را ناشی از تضاد زیربنایی یاد شده و در تناظر با موقعیت و منافع اجتماعی نسلی در نظر گرفته می‌شود (همان، ۱۰۶).

به اعتقاد بوردیو، در شرایط معاصر، شکاف نسل‌ها، شکافی افقی بوده و در عصرها و میدان‌های مختلف اجتماعی اعم از نهادی یا غیرنهادی، رویارویی بین جوانان و افراد مسن عملاً حاکی از تعارض بین افرادی به مواضع گوناگون قدرت و ثروت است. از نظر بوردیو، جوان و پیر نه یکی امر عینی و واقعی، بلکه یک ساختار اجتماعی هستند که در نتیجه مبارزه میان پیر و جوان در میدان‌های مختلف به وجود می‌آیند (همان، ۱۰۷). بوردیو بر توزیع امکانات و منابع و موقعیت نابرابر نسل‌های مختلف از نظر برخورداری یا محرومیت از امکانات و فرصت‌های موجود اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی در عرصه‌های مختلف در ریشه‌یابی شکاف نسلی تاکید دارد.

^۱ Life course

بورديو به جای تبیین شکاف نسل‌ها با معیارهای ذهنی و برحسب تاثیر جریان‌ها و حوادث عمده تاریخی بر روی ذهنیت و آگاهی / هویت ویژه نسلی که بر رهیافت مانهایمی مسلط است، با رویکرد عینی به تبیین تعارضات نسلی برحسب جایگاه استراتژیک و عصری هر نسل در رابطه با مجموعه‌ای منابع و نبرد نسل‌ها برای استفاده انحصاری از منابع مذکور می‌پردازد (همان، ۱۰۸).

بورديو مسائل نسل‌ها را در چارچوب طبقات و نظام‌های آموزشی بررسی می‌کند و با توجه به مطالعات خود به نتایج ارزشمندی دست پیدا می‌کند. وی تبعات این بازتولید امتیازات طبقاتی در نظام آموزشی دموکراتیزه شده را بطور اجمالی موارد ذیل می‌داند:

- آموزش، آگاهی، نظام مطالبات و شکاف نسلی در امکانات؛

- موقعیت اجتماعی بنیان تعارضات نسلی؛

- منافع نسلی و تنش‌های بین نسلی؛

- تضاد منافع نسلی و تحول اجتماعی.

اصطلاحاتی چون "غیرمسئول بودن موقت جوانان"، "تحول خاموش"، "تورم شرکت کنندگان برای رفتن به دانشگاه" "سرمایه‌های نمادین" از مفاهیم ارزشمند و پربار بورديو در تحلیل‌های وی می‌باشد.

دکتر معیدفر به نقل از بنگستون، سه دیدگاه عمده درباره شکاف نسلی یا گسست نسلی را بیان کرده است:

۱) دیدگاهی که از وجود "شکاف بزرگ" حمایت می‌کند؛

۲) دیدگاهی که شکاف بزرگ را توهم دانسته و آن را ناشی از فریب افکار عمومی از سوی رسانه‌های عمومی می‌داند؛

۳) دیدگاه "گسست و تفاوت انتخابی" میان نسلی‌ها.

مدافعان تفاوت نسلی - و نه شکاف - معتقدند، اساساً انقطاع، شکاف یا بریدگی کامل غیرممکن است؛ زیرا جامعه‌پذیری هر نسل جدید در فضای اجتماعی نسل گذشته‌اش رخ داده است و نسل جدید همواره حامل بخش قابل توجهی از ویژگی‌های نسل پیش از خود است.

از سویی دیگر قائلان به شکاف نسلی بر این باورند که فرهنگ جدید، محل اختلاف و حتی متضاد با فرهنگ مسلط بزرگسالان است. از نظر آنها دنیای جدید خالق ارزش‌ها و هنجارهایی بوده است که اساساً تضاد بین نسل‌ها نشان از قبول همین ارزش‌های نو از سوی نسل جدید دارد، که در نهایت نیز به تضاد رفتاری ختم می‌شود.

"نگرش‌های فردی را می‌توان یک شبه تغییر داد، اما به نظر می‌رسد تغییر در مؤلفه مرکزی جهان‌بینی مردم تا حد زیادی وقتی رخ می‌دهد که یک نسل جایگزین نسل دیگر شود. جهان‌بینی‌هایی که در جوامع مختلف

متداول هستند می‌توانند تغییر یابند، اما آنها به تدریج و بطور عمده از طریق جایگزینی جمعیت یک نسل به جای نسل دیگر تغییر می‌کنند."

اینگلهارت در کتاب خود تحت عنوان "تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی" در مورد تفاوت سنی نسل‌ها چهار فرضیه اساسی را مطرح کرده است:

(۱) فرضیه چرخه زندگی یا سالخوردگی؛ (۲) فرضیه دوره‌ای؛ (۳) فرضیه گروه سنی؛ (۴) فرضیه ترکیبی.

در جوامع اولیه همه اجزای فرهنگ بخشی از بدنه فرهنگ عمومی به حساب می‌آمدند، اما پیشرفت‌های صنعتی و تغییر بینش‌ها به سبب تحولات معرفتی، جمعیتی و نسلی، هنجارهای غالب گذشته را به چالش کشید و در این حال توافقات یا عدم توافقات جمعی و گروهی، نسبت به پدیده‌های فرهنگی (فرهنگ عمومی) بسیار تغییر کرد؛ با رویش اشکال جدید، دیگر نمی‌توان تمامی اجزای درون جوامع یا میان جوامع را در قالب یک نوع زیست‌خاص عمومی مقوله‌بندی نمود.

اینگلهارت این مفهوم را در قالب تفاوت‌های میان فرهنگی توضیح می‌دهد: "جهان‌بینی‌های متداول که از یک جامعه به جامعه دیگر تفاوت می‌کنند، بازتاب تجربه‌های متفاوت مردمان مختلف هستند. بنابراین تفاوت‌های پایدار اما نه غیرقابل تغییری را میان ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادات مردمان گوناگون می‌یابیم. این بدین معناست که افراد و گروه‌های مختلف مردم در موقعیت‌های مشابه واکنش متفاوتی دارند."

۱۲۶

۳- فرضیه‌های پژوهش

- به نظر می‌رسد بین سن و فاصله نسلی رابطه وجود دارد؛

- به نظر می‌رسد بین جنسیت و فاصله نسلی رابطه وجود دارد؛

- به نظر می‌رسد بین میزان تحصیلات پدران و فاصله نسلی رابطه وجود دارد؛

- به نظر می‌رسد بین سرمایه اقتصادی و فاصله نسلی رابطه وجود دارد؛

- به نظر می‌رسد بین سرمایه فرهنگی و فاصله نسلی رابطه وجود دارد؛

- به نظر می‌رسد بین دین‌داری و فاصله نسلی رابطه وجود دارد؛

- به نظر می‌رسد بین استفاده از رسانه و فاصله نسلی رابطه وجود دارد.

۴- روش پژوهش

تحقیق موجود به لحاظ هدف یک مطالعه کاربردی و به لحاظ زمانی، چون به یک برهه زمانی خاص مربوط است؛ مقطعی است. از نظر گردآوری داده‌ها یک بررسی پیمایشی- میدانی است. چراکه این روش بهترین روش موجود برای تحقق هدف این تحقیق و آن دسته از پژوهندگان اجتماعی است که علاقه‌مند به جمع‌آوری

داده‌های اصلی برای توصیف جمعیت‌های بزرگ هستند که نمی‌توان بطور مستقیم آنها را مشاهده کرد. با نمونه‌گیری احتمالی دقیق می‌توان گروهی از پاسخگویان را فراهم کرد که ویژگی‌های آنان منعکس کننده ویژگی‌های جمعیت بزرگتر باشد همچنین این روش وسیله خوبی برای سنجش نگرش‌ها و جهت‌گیری‌ها است. می‌توان از پیمایش‌ها برای هدف‌های توصیفی و اکتشافی استفاده کرد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته است؛ که اعتبار آن از طریق اعتبار صوری و توسط متخصصان امر و پایایی از آلفای کرونباخ محاسبه و تایید می‌شود. جامعه آماری این پژوهش را تمامی دانش‌آموزان پسر و دختر دوره مقطع متوسطه دوم شهر جهرم در سال ۱۳۹۶ تشکیل داده‌اند. تعداد کل آنها براساس آمار گرفته شده از اداره آموزش و پرورش شهر جهرم برابر با ۸۳۶۰ دانش‌آموز است. که باتوجه به فرمول کوکران حجم نمونه برابر با ۳۷۰ نفر است. برای انتخاب نمونه از فرمول کوکران با ضریب خطای ۵ درصد استفاده شد و از بین ۸۳۶۰ دانش‌آموز تعداد ۳۷۰ دانش‌آموز به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شده است. نخست، اسامی دبیرستان‌های سطح شهر جهرم، شامل ۹ دبیرستان دولتی و ۴ دبیرستان غیردولتی، و تعداد دانش‌آموزان هر یک از دبیرستان‌ها با کمک کارشناس آمار آموزش و پرورش به دست آمد، سپس برای به دست آوردن حجم نمونه، باتوجه به نسبت دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی، به صورت تصادفی ۲ دبیرستان از میان دبیرستان‌های غیرانتفاعی و ۴ دبیرستان از میان دبیرستان‌های دولتی، باتوجه به تناسب حجم دانش‌آموزان و پایه تحصیلی، انتخاب شدند.

۵- اعتبار و روایی

در بحث اعتبار وسیله اندازه‌گیری چندین نوع مختلف اعتبار می‌توان متصور بود که هرکدام با بعد متفاوتی از موضوع اندازه‌گیری سروکار دارند. اما در این تحقیق ما از اعتبار صوری و اعتبار سازهای استفاده کرده‌ایم منظور از اعتبار صوری، شناسایی اعتبار شاخص‌ها یا معرف‌های پژوهش از طریق مراجعه به داوران است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۴۴). همچنین، پرسشنامه تهیه شده به تعدادی از اساتید خبره و برگزیده جامعه‌شناسی داده شد و وفاق آنها در مورد شاخص‌ها، دلیل روشنی بر اعتبار پرسشنامه طراحی شده است. همچنین به دلیل اینکه پرسشنامه این پژوهش از داخل نظریه‌های مطرح، چهارچوب نظری و مدل تحلیلی استخراج شده است دارای اعتبار سازه‌ای است. پایایی به بررسی قابلیت تکرارپذیری ابزار تحقیق می‌پردازد. در این تحقیق با استفاده از آلفای کرونباخ به بررسی این امر پرداخته شده است. ضریب آلفای کرونباخ هرچه به یک نزدیک باشد قابلیت اعتماد مقیاس بیشتر است. آلفای پرسشنامه (۳۵ پرسشنامه) متغیر وابسته (فاصله نسلی) ۷۹ درصد و آلفای پرسشنامه بطور کلی ۸۶ درصد بدست آمد.

¹ Face validity

² Construct validity

۶- یافته‌های پژوهش

براساس یافته‌های به دست آمده در جداول توصیفی تحقیق ۳۸/۴ درصد از پاسخگویان بین ۱۳ تا ۱۴ سال سن دارند و ۱۰/۸ درصد از پاسخگویان بین ۱۵ تا ۱۶ سال سن دارند و ۵۰/۸ درصد از پاسخگویان بین ۱۷ تا ۱۸ سال سن دارند. اغلب پاسخگویان بین ۱۷ تا ۱۸ سال سن دارند. همچنین ۷۱/۶ درصد از پاسخگویان دختر و ۲۸/۴ درصد از پاسخگویان پسر هستند. همانگونه که در جدول توزیع فراوانی میزان تحصیلات پدران مشاهده می‌گردد ۲۹/۲ درصد از پاسخگویان دیپلم و زیر دیپلم و ۳۳/۵ درصد فوق دیپلم و ۳۱/۴ درصد از پاسخگویان لیسانس و ۵/۹ درصد از پاسخگویان فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند. اغلب پاسخ دهندگان دارای مدرک فوق دیپلم هستند و ۱/۴ درصد از پاسخگویان کمتر از ۸۰۰ هزار تومان درآمد دارند و ۱۵/۴ درصد بین ۸۰۱ هزار تا یک میلیون تومان درآمد دارند و ۴۷/۳ درصد از پاسخگویان بین یک میلیون تا یک میلیون و پانصد هزار تومان درآمد دارند و ۳۵/۹ درصد از پاسخگویان بالاتر از یک میلیون و پانصد هزار تومان درآمد دارند. اغلب پاسخ دهندگان درآمدی بالاتر از یک میلیون و پانصد هزار تومان دارند.

جدول (۱) توزیع فراوانی متغیر سرمایه اقتصادی

متغیر سرمایه اقتصادی	فراوانی	درصد فراوانی
کاملاً مخالفم	۳۷	۱۰/۰
مخالفم	۶۹	۱۸/۶
نظری ندارم	۹۸	۲۶/۵
موافقم	۱۳۸	۳۷/۳
کاملاً موافقم	۲۸	۷/۶
جمع	۳۷۰	۱۰۰/۰

۱۲۸

همانگونه که در جدول متغیر سرمایه اقتصادی دیده می‌شود ۷/۶ درصد از پاسخگویان به گزینه کاملاً موافقم و ۳۷/۳ درصد از پاسخگویان به گزینه موافقم و ۲۶/۵ درصد از پاسخگویان به گزینه نظری ندارم و ۱۸/۶ درصد از پاسخگویان به گزینه مخالفم و ۱۰/۰ درصد از پاسخگویان به گزینه کاملاً مخالفم پاسخ داده‌اند. اغلب پاسخگویان به گزینه موافقم پاسخ داده‌اند.

جدول ۲) توزیع فراوانی متغیر سرمایه فرهنگی

متغیر سرمایه فرهنگی	فراوانی	درصد فراوانی
کاملاً مخالفم	۱۰	۲/۷
مخالفم	۱۰	۲/۷
نظری ندارم	۷۵	۲۰/۳
موافقم	۱۴۷	۳۹/۷
کاملاً موافقم	۱۲۸	۳۴/۶
جمع	۳۷۰	۱۰۰/۰

نتایج جدول فوق بیانگر این است که ۳۴/۶ درصد از پاسخگویان به گزینه کاملاً موافقم و ۳۹/۷ درصد از پاسخگویان به گزینه موافقم و ۲۰/۳ درصد از پاسخگویان به گزینه نظری ندارم و ۲/۷ درصد از پاسخگویان به گزینه مخالفم و ۲/۷ درصد از پاسخگویان به گزینه کاملاً مخالفم پاسخ داده‌اند. اغلب پاسخگویان به گزینه موافقم پاسخ داده‌اند.

جدول ۳) توزیع فراوانی متغیر دین‌داری

متغیر دین‌داری	فراوانی	درصد فراوانی
کاملاً مخالفم	۴۹	۱۳/۲
مخالفم	۶	۱/۶
نظری ندارم	۴۵	۱۲/۲
موافقم	۸۵	۲۳/۰
کاملاً موافقم	۱۸۵	۵۰/۰
جمع	۳۷۰	۱۰۰/۰

نتایج به دست آمده در مورد دین‌داری پاسخگویان نشانگر این است که ۵۰/۰ درصد از پاسخگویان به گزینه کاملاً موافقم و ۲۳/۰ درصد از پاسخگویان به گزینه موافقم و ۱۲/۲ درصد از پاسخگویان به گزینه نظری ندارم و ۱/۶ درصد از پاسخگویان به گزینه مخالفم و ۱۳/۲ درصد از پاسخگویان به گزینه کاملاً مخالفم پاسخ داده‌اند. اغلب پاسخگویان به گزینه کاملاً موافقم پاسخ داده‌اند.

جدول (۴) توزیع فراوانی متغیر استفاده از رسانه

متغیر استفاده از رسانه	فراوانی	درصد فراوانی
کاملاً مخالفم	۱۰	۲/۷
مخالفم	۱۰	۲/۷
نظری ندارم	۷۷	۲۰/۸
موافقم	۲۶۳	۷۱/۱
کاملاً موافقم	۵	۱/۴
کل	۳۶۵	۹۸/۶
بی پاسخ	۵	۱/۴
جمع	۳۷۰	۱۰۰/۰

نتایج جدول فوق بیانگر این است که ۱/۴ درصد از پاسخگویان به گزینه کاملاً موافقم و ۷۱/۱ درصد از پاسخگویان به گزینه مخالفم و ۲۰/۸ درصد از پاسخگویان به گزینه نظری ندارم و ۲/۷ درصد از پاسخگویان به گزینه کاملاً موافقم و ۱/۴ درصد از پاسخگویان به گزینه کاملاً مخالفم پاسخ داده‌اند. اغلب پاسخگویان به گزینه موافقم پاسخ داده‌اند. ضمناً ۱/۴ از پاسخگویان به این گویه پاسخ ندادند.

۱۳۰

جدول (۵) توزیع فراوانی متغیر فاصله نسل‌ها

متغیر فاصله نسل‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
کاملاً مخالفم	۲۵	۶/۸
مخالفم	۲۵	۶/۸
نظری ندارم	۴۰	۱۰/۸
موافقم	۱۱۴	۳۰/۸
کاملاً موافقم	۱۶۶	۴۴/۹
جمع	۳۷۰	۱۰۰/۰

همانگونه که جدول متغیر فاصله نسل‌ها دیده می‌شود ۴۴/۹ درصد از پاسخگویان به گزینه کاملاً موافقم و ۳۰/۸ درصد از پاسخگویان به گزینه موافقم و ۱۰/۸ درصد از پاسخگویان به گزینه نظری ندارم و ۶/۸ درصد از پاسخگویان به گزینه مخالفم و ۶/۸ درصد از پاسخگویان به گزینه کاملاً مخالفم پاسخ داده‌اند. اغلب پاسخگویان به گزینه کاملاً مخالفم پاسخ داده‌اند.

۷- آمار استنباطی

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین سن و فاصله نسلی رابطه وجود دارد.

جدول ۶) آزمون آنالیز واریانس یک طرفه بین سن و فاصله نسلی

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری
سن	میان گروهی	۳۰۹/۶۴	۴	۰۷۷/۱۶	۲۳۳/۱۰	۰۰۰/۰
	درون گروهی	۴۳۴/۵۷۳	۳۶۵	۵۷۱/۱		
	کل	۷۴۳/۶۳۷	۳۶۹			

براساس نتایج حاصله از آزمون تحلیل واریانس بین سن و فاصله نسلی، تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه فوق در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تایید قرار می‌گیرد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین جنسیت و فاصله نسلی رابطه وجود دارد.

جدول ۷) آماره تفاوت میانگین‌ها بین جنسیت و فاصله نسلی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف خطای میانگین
جنس	۳۷۰	۲۸۳۸/۱	۴۵۱۴۴/۰	۰۲۳۴۷/۰
		۰۰۲۷/۴	۱۹۹۵۹/۱	۰۶۲۳۶/۰

جدول ۸) آزمون تفاوت میانگین‌ها بین جنسیت و فاصله نسلی

متغیر	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	تفاوت فاصله اطمینان از ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
جنس	۷۰۰/۵۴	۳۶۹	۰۰۰/۰	۲۸۳۷۸/۱	۳۳۷۶/۱	۳۲۹۹/۱
	۱۸۳/۶۴	۳۶۹	۰۰۰/۰	۰۰۲۷۰/۴	۸۸۰/۱/۳	۱۲۵۳/۴

همانگونه که در جدول بررسی تفاوت میانگین‌ها مشاهده می‌گردد بین جنسیت و فاصله نسلی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بنابراین فرضیه فوق در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تایید قرار می‌گیرد.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین میزان تحصیلات پدران و فاصله نسلی رابطه وجود دارد.

جدول ۹) آزمون آنالیز واریانس یکطرفه بین میزان تحصیلات پدران و فاصله نسلی

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	آماره F	سطح معناداری
میزان تحصیلات پدران	میان گروهی	۷۵۰/۴۷	۴	۹۳۸/۱۱	۱۰۲/۱۵	۰۰۰/۰
	درون گروهی	۵۲۰/۲۸۸	۳۶۵	۷۹۰/۰		
	کل	۲۷۰/۳۳۶	۳۶۶			

براساس نتایج حاصله از آزمون تحلیل واریانس بین میزان تحصیلات پدران و فاصله نسلی، تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه فوق در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین سرمایه اقتصادی و فاصله نسلی رابطه وجود دارد؛

جدول ۱۰) ضریب همبستگی پیرسون بین سرمایه اقتصادی و فاصله نسلی

متغیر	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
سرمایه اقتصادی	ضریب همبستگی	۱۳۳/۰
	سطح معناداری	۰۱۰/۰
	تعداد	۳۷۰

۱۳۲

همانگونه که در جدول ضریب همبستگی پیرسون مشاهده می‌شود بین سرمایه اقتصادی و فاصله نسلی، رابطه مثبت و معناداری با احتساب ضریب همبستگی ۰/۱۳۳ برقرار است بنابراین فرضیه فوق در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین سرمایه فرهنگی و فاصله نسلی رابطه وجود دارد؛

جدول ۱۱) ضریب همبستگی پیرسون بین سرمایه فرهنگی و فاصله نسلی

متغیر	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
سرمایه فرهنگی	ضریب همبستگی	۳۰۶/۰
	سطح معناداری	۰۰۰/۰
	تعداد	۳۷۰

همانگونه که در جدول ضریب همبستگی پیرسون مشاهده می‌شود بین سرمایه فرهنگی و فاصله نسلی، رابطه مثبت و معناداری با احتساب ضریب همبستگی $0/306^{**}$ برقرار است بنابراین فرضیه فوق در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه ششم: به نظر می‌رسد بین دین‌داری و فاصله نسلی رابطه وجود دارد.

جدول (۱۲) ضریب همبستگی پیرسون بین دین‌داری و فاصله نسلی

متغیر	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
دین‌داری	ضریب همبستگی	۲۱۱/۰
	سطح معناداری	۰۰۰/۰
	تعداد	۳۷۰

همانگونه که در جدول ضریب همبستگی پیرسون مشاهده می‌شود بین دین‌داری و فاصله نسلی، رابطه معکوس (منفی) و معناداری با احتساب ضریب همبستگی $211/0$ برقرار است بنابراین فرضیه فوق در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۱۳۳

فرضیه هفتم: به نظر می‌رسد بین استفاده از رسانه و فاصله نسلی رابطه وجود دارد.

جدول (۱۳) ضریب همبستگی پیرسون بین استفاده از رسانه و فاصله نسلی

متغیر	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
استفاده از رسانه	ضریب همبستگی	۱۷۸/۰
	سطح معناداری	۱۰۰/۰
	تعداد	۳۷۰

همانگونه که در جدول ضریب همبستگی پیرسون مشاهده می‌شود بین استفاده از رسانه و فاصله نسلی، رابطه مثبت و معناداری با احتساب ضریب همبستگی $0/178^{**}$ برقرار است بنابراین فرضیه فوق در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۸- رگرسیون

کاربرد یک متغیر برای عمل پیش‌بینی در خصوص متغیر دیگر را رگرسیون می‌گویند. رگرسیون با کاربرد یک متغیر دانسته و مشخص، مقادیر متغیر غیرمشخص دیگری را پیش‌بینی می‌کند؛ متغیرهای مستقل نظیر: سن، جنسیت، میزان تحصیلات پدران، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، دین‌داری، استفاده از رسانه. میزان تغییر یک متغیر بر اثر متغیر دیگر را ضریب رگرسیون نیز می‌گویند که عبارت است از میزان تغییری که در متغیر وابسته بر اثر یک واحد تغییر در متغیر مستقل بروز می‌کند.

جدول (۱۴) نتایج آزمون تحلیل رگرسیون عوامل اجتماعی موثر بر فاصله نسلی

روش ورودی متغیرها Enter	Method= Enter
ضریب همبستگی چندگانه	a538/0R=
ضریب تعیین	289/0=2R
ضریب تعیین تعدیل یافته	227/0adj=2R
خطای معیار	829/0S.E=
تحلیل واریانس	01589/0ANOVAa=
سطح معناداری	000/0Sig=1b

۱۳۴

همانگونه که در جدول آزمون تحلیل رگرسیون مشاهده می‌شود متغیرهای موثر توانسته‌اند بر فاصله نسلی با ضریب تعیین ۰/۲۸۹ درصد تغییرات موجود را پیش‌بینی کنند. به عبارتی متغیرهای مستقل موثر توانسته‌اند به اندازه ۰/۲۸۹ درصد از تغییرات مربوط به فاصله نسلی را تبیین کنند و مابقی تأثیرات ناشی از متغیرهایی است که در این تحقیق لحاظ نشده است.

جدول (۱۵) ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون عوامل اجتماعی موثر بر فاصله نسلی

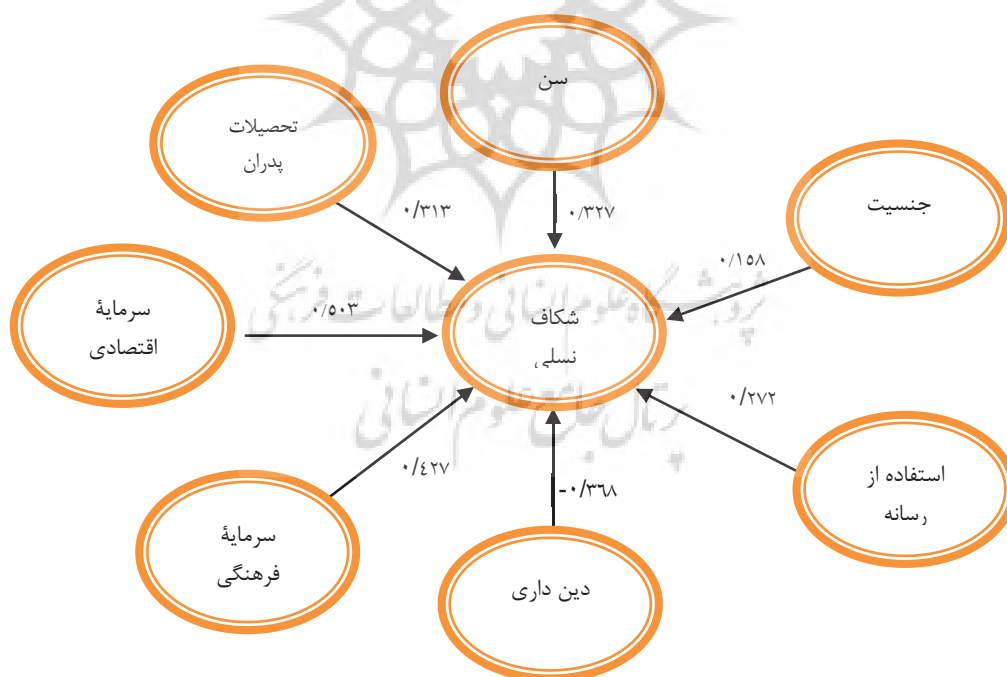
متغیرهای مستقل	b	S. E	beta	مقدار T	سطح معناداری
مقدار ثابت	779/2	592/0		695/4	000/0
سن	361/0	122/0	327/0	962/2	003/0
جنسیت	154/0	076/0	158/0	035/2	043/0
دین‌داری	421/0-	117/0-	368/0-	611/3-	000/0
میزان تحصیلات پدران	327/0	079/0	313/0	153/4	000/0
سرمایه فرهنگی	454/0	085/0	427/0	345/5	000/0
سرمایه اقتصادی	748/0	175/0	503/0	264/4	000/0
استفاده از رسانه	314/0	094/0	272/0	343/3	001/0

همانگونه که در جدول تحلیل رگرسیون مشاهده می‌گردد متغیر سن با بتای $0/327$ و متغیر جنسیت با بتای $0/158$ و متغیر دین داری با بتای $-0/368$ و متغیر میزان تحصیلات پدران با بتای $0/313$ و متغیر سرمایه فرهنگی با بتای $0/427$ و متغیر سرمایه اقتصادی با بتای $0/503$ و متغیر استفاده از رسانه با بتای $0/272$ توانست بر متغیر فاصله نسلی موثر واقع شود و بیشترین تأثیر را نیز سرمایه اقتصادی داشته است.

۹- تحلیل مسیر

تحلیل مسیر^۱ یا روش آماری کاربرد ضرایب بتای استاندارد رگرسیون چند متغیری در مدل‌های ساختاری است. هدف تحلیل مسیر به دست آوردن برآوردهای کمی روابط علی (همکنشی یکجانبه یا کواریته) بین مجموعه‌ای از متغیرهاست. ساختن یک مدل علی لزوماً به معنای وجود روابط علی در بین متغیرهای مدل نیست بلکه این علیت براساس مفروضات همبستگی و نظر و پیشینه تحقیق استوار است. تحلیل مسیر بیان می‌کند که کدام مسیر مهمتر و یا معنادارتر است. ضرایب مسیر براساس ضریب استاندارد شده رگرسیون محاسبه می‌شود.

نمودار (۱) تحلیل مسیر



¹ Path analysis

بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش، در دامنه ۲۰ تا ۴۸ میانگین فاصله نسلی ۱۸/۵ بوده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که میزان فاصله نسلی بین دانش‌آموزان متوسط رو به بالاست است. این موضوع حاکی از آن است که بستریهای مستعد برای ظهور و بروز انواع آسیب‌های اجتماعی از جمله فاصله نسلی در میان دانش‌آموزان وجود دارد و میزان فاصله نسلی آنان متوسط رو به بالا است. منظور از فاصله نسلی تعارض و اختلاف بین دو نسل است که می‌توان آن را گسست اجتماعی نامید. در تعریف از گسست اجتماعی بروز فاصله بین یک قشر با گروه سنی دیگر را با تعبیر گسست معروض می‌کنند؛ این گسست و فاصله می‌تواند در طیفی از فاصله فکری و فرهنگی گرفته تا فاصله عاطفی یا فیزیکی جغرافیایی یا شرایط سطح زندگی باشد. با این تعریف بروز اختلاف جدی در سطح فکری و فرهنگی دو نسل را می‌توان گسست نامید. همچنان که در فرضیه اول و دوم این پژوهش مطرح شد و یافته‌های پژوهش نیز این موضوع را تأیید می‌کند بین جنسیت، سن و شکاف نسلی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که شکاف بین دختران و پسران و سن آنها به یک اندازه نیست و از لحاظ آماری تفاوت معناداری را از خود نشان داده است. نتایج این تحقیق نیز با تحقیق پورحلیبی و همکاران (۱۳۹۱) که بیان می‌کند تفاوت معناداری بین جنسیت و دینداری و سرمایه فرهنگی وجود ندارد و این متغیر با تحقیقات پیشین همخوانی دارد.

۱۳۶

باتوجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت بین سطح تحصیل پدران و فاصله نسلی رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی با افزایش یا کاهش میزان تحصیل پدران فاصله نسلی افزایش یا کاهش می‌یابد و براساس یافته‌های تحقیقات مشابه در خانواده‌هایی که در طبقات پایین جامعه زندگی می‌کنند و فرزندان آنها تحصیلات عالی دارند فاصله نسلی بیشتری احساس می‌شود؛ همچنین، نتایج تحقیق حاضر با تحقیق قدیمی (۱۳۸۸) همخوانی دارد که بین فاصله نسلی و میزان تحصیلات پدران رابطه معناداری وجود دارد. افزایش سطح تحصیلات یا پایه و مقطع تحصیلی دانش‌آموزان می‌تواند بر میزان تعارض نسلی فرزندان و والدین اثرگذار باشد. این مسأله با یافته‌های آزاد ارمکی (۱۳۸۰) که متغیر تحصیلات را بعنوان متغیر موثر در دگرگونی ارزش‌ها می‌دانست و همچنین با نتایج محسنی (۱۳۷۵) مبنی بر اینکه افراد تحصیل کرده نسبت به سایر افراد بیشتر فرامادی هستند همخوانی دارد. در مقاله حاضر میزان استفاده از رسانه با فاصله نسلی بیشترین رابطه را دارد به گونه‌ای که، تأثیر بیشتری را در فاصله نسلی داشته است؛ به این معنی که هر چقدر استفاده از رسانه بیشتر باشد به همان اندازه بر میزان شکاف نسلی افزوده شده است. این مطابق با تئوری اینگلههارت است که گسترش رسانه‌های جمعی به تغییر ارزش‌ها منجر شده است بطوریکه در عصر کنونی، جهانی شدن ارتباطات و رسانه‌ها بر شکاف ارزش‌های انسانی اثر گذاشته است. لباس‌های یک شکل دانش‌آموزان و موسیقی‌های جدید از نمونه‌های تأثیر استفاده رسانه در تغییر رفتارها و ارزش‌های نسل کنونی و پایبند نبودن آنها به سنت‌های فرهنگی است.

همچنین، یان رابرتسون معتقد است که رشد و گسترش تدریجی رسانه‌های جمعی و وسایل ارتباطی تأثیرات مثبت و منفی فراوانی در زندگی بشر داشته است. از همه مهمتر اینکه در عصر کنونی با ظهور اینترنت و فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، و بویژه اینترنت، فضای ارتباطات و اثرگذاری آنها بسیار افزایش یافته است. بطوریکه ما هم اکنون تحت تأثیر این رسانه‌های نوین هستیم، به عبارتی مخاطبان جهانی رسانه‌ها و نسل‌های کنونی در معرض انتشار و نمایش پیام‌های متنوع رسانه‌ای قرار دارند و پیام‌هایی دریافت می‌کنند که می‌تواند سنت‌ها و الگوهای فرهنگی و اجتماعی و نسلی جوامع و همچنین روابط نسلی آنها را دستخوش چالش و دگرگونی کند. همچنین نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات قدیمی (۱۳۸۸) و پورحلبی و همکاران (۱۳۹۱) همخوانی دارد.

با بررسی آزمون‌ها، نتیجه حاصله حکایت از وجود رابطه بین سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و فاصله نسلی دارد؛ پیر بوردیو ویژگی‌های طبقات اجتماعی را درخصوص تملک سرمایه (سرمایه فرهنگی و اقتصادی) به صورت نظری و تجربی بررسی می‌کند. از نظر او جایگاه کنشگران اجتماعی در فضای طبقاتی به حجم و ساخت سرمایه آنها بستگی دارد. از نظر او، سرمایه وسیله‌ای برای تشخیص و تمایز است. در این میان برای سرمایه فرهنگی و اقتصادی اهمیت زیادی قائل است. همبستگی معنادار بین سرمایه فرهنگی و فاصله نسلی نظر وی را تأیید می‌کند. براساس نتایج تحقیق حاضر، رابطه معناداری بین درآمد و محل سکونت و نحوه گذران اوقات فراغت و فاصله نسلی برقرار است؛ این بدین معنی که هر درآمد و محل سکونت و نحوه گذران اوقات فراغت

هر چقدر در جامعه بالا باشد میزان فاصله نسلی بالاتر است و درآمد و محل سکونت و نحوه گذران اوقات فراغت پایین‌تر به میزان‌های پایین فاصله نسلی در میان دانش‌آموزان منجر خواهد شد. بوردیو معتقد است که عاملان اجتماعی به دو صورت واجد سرمایه‌اند و این سرمایه در شکل بخشیدن به جایگاه‌شان در ساختار طبقاتی مؤثر است. در بعد اول براساس میزان سرمایه‌ای (اقتصادی و فرهنگی) که در اختیار دارند و در بعد دوم براساس ساختار سرمایه‌شان؛ یعنی وزن نسبی هر یک از انواع مختلف سرمایه اقتصادی که صورت‌های مختلف دارند. بررسی متغیر دینداری نشان می‌دهد که بین این متغیر و فاصله نسلی ارتباط معنی‌داری ولی از نوع معکوس برقرار است به عبارتی هرچه میزان دینداری افزایش یابد شکاف نسلی کاهش پیدا خواهد کرد بعبارتی با افزایش یک متغیر، متغیر دیگر کاهش می‌یابد. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق یوت شونفلونگ (۲۰۰۱) و معیدفر (۱۳۸۳) در داخل و خارج از کشور همخوانی دارد. در مقایسه با تئوری اینگلههارت درخصوص جایگزینی ارزش‌های مادی و فرامادی نیز می‌توان گفت در منطقه مورد بررسی هنوز هم ارزش‌های فرامادی (مذهبی و سیاسی و اجتماعی) در جایگاه بالاتری نسبت به ارزش‌های اقتصادی قرار داشته‌اند. مهمتر اینکه این موضوع در مورد فرزندان نیز صادق است. بعبارتی، می‌توان گفت موافق با ایده اینگلههارت در نسل جدید

ارزش‌های غیرمادی در رده بالاتر نسبت به ارزش‌های مادی قرار دارند. نتایج حاصل از بررسی رابطه متغیر عدم درک متقابل فرزندان و والدین نشان داد که این متغیر رابطه معناداری با شکاف ارزشی بین این دو نسل دارد. گروسک و گودنو (۱۹۹۴) در تحقیقات خود دریافتند که صحت ادراکات فرزندان از ارزش‌های والدین بطور اساسی تحت شرایطی است که اطلاعات (ارزش‌ها) را بدست می‌آورند. آنها از جمله مهمترین عوامل تعیین کننده ادراک از ارزش‌های والدین را درجه توافق ارزشی والدین و فرزندان می‌دانند.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- آرون، ری (۱۳۸۶)، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران.
- ۲- آزاد ارمکی، توحید و امامی، یزدان (۱۳۸۳)، «تکوین حوزه عمومی و گفتگوی عقلانی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۵، ش ۱.
- ۳- آزاد ارمکی، توحید (۱۳۸۷)، *رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی (از کتاب مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران)*، چ ۲، تهران: انتشارات آگاه.
- ۴- استیون ورید (۱۳۸۰)، *خرد، عدالت و نوگرایی*، ترجمه: محمد حریری اکبری، تهران: نشر قطره.
- ۵- توسلی، غلامعلی (۱۳۷۸)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات سمت.
- ۶- توکل، مراد، قاضی‌نژاد، محمد (۱۳۸۵)، «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تاکید بر نظرات مانهایم و بوردیو»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ش ۲۷.
- ۷- جانسون، چالمرز (۱۳۶۱)، *تحول انقلابی*، ترجمه: حمید الیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۸- خالقی‌فر، مالک (۱۳۸۱)، «بررسی ارزش‌های مادی/ فرامادی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، عوامل موثر بر آن و روابط آن با برخی از نشانگان فرهنگی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی*.
- ۹- ساروخانی، بهرام (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی ارتباطات*، چ ۲، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۱۰- کوزر، لریز (۱۳۷۷)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، چ ۷، تهران: انتشارات علمی.
- ۱۱- مانهایم، کارل (۱۳۸۰)، *ایدئولوژی و اتوپیا*، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۲- معیدفر، سعید (۱۳۸۳)، «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (...).»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ش ۲۴.
- ۱۳- معیدفر، سعید (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، چ ۲، همدان: انتشارات نور علم.
- ۱۴- موسوی چلک، حامد (۱۳۸۸)، *آسیب‌های اجتماعی، نظم و امنیت عمومی؛ کندوکاو در مسائل جوانان و مناسبات نسلی*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.

لاتین:

15- Schwartz, shalom and Etta, prince – Gibson (2001). “value priorities.